

چوب حراج بر سمبل تمدن ایرانی

حامد طبیبی

بی توجهی به میراث کهن به ارث رسیده از تاریخ گران بهای ایران، مدتی است که دیگر به عنوان موضوعی تعجب برانگیز تلقی نمی‌گردد. اگر چه تمامی دولت‌های پس از انقلاب در این خصوص کاستی‌هایی داشتند، اما در طول ۲/۵ سال گذشته این روند سیر صعودی به خود گرفته و هر روز خبر ناگواری در خصوص اشیای باستانی، مکان‌های تاریخی و... شنیده می‌شود. موضوع حراج سرسرباز هخامنشی و نوع مواجهه مسوولان دولتی با آن اما نیازمند تاملی جدی‌تر است.

نیوپورک به حراج گذاشته شده و توسط یک زن فرانسوی با نام "برند" خریداری می‌شود.

وی این خرید بارزش را به مدت ۳۰ سال در منزل شخصی خود در فرانسه نگهداری کرده و در ۲۰ آوریل ۲۰۰۵ همزمان با اعلام تاریخ حراج دوباره آن از سوی حراجی "کریستی لندن" مورد توجه رسانه‌ها و افکار عمومی واقع شد. در این میان و پس از اعلام تاریخ حراجی بود که بررسی کارشناسان از شواهد ناچیز موجود، اطلاعات روشن‌تری در خصوص زمان خروج این سنگ برجسته از کشور را به دست می‌داد. گویا پس از خارج شدن مجموعه تخت جمشید یا "پرسپولیس" از زیر خاک در حدود ۸۰ سال پیش، این شی از این مجموعه ماندگار جهانی به سرقت رفته و همانند موارد مشابه سرنوشتی جز راه یافتن به شبکه قاچاق بین‌المللی اشیای تاریخی و چوب حراج خوردن از سوی دلالان حرفه‌ای برای آن متصور نبوده است.

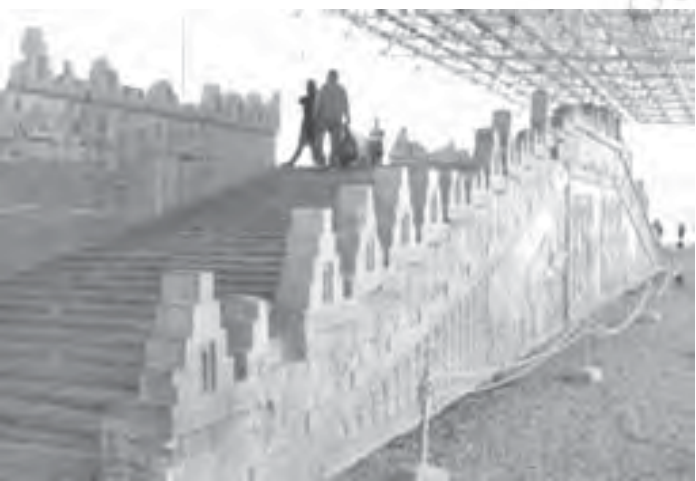
در چنین سمت و سویی بود که متولیان حراجی

ارزشمند را به یک مرکز اروپایی که در آن فرهنگ و تاریخ ایران زمین تبلیغ و اشاعه داده می‌شود اهدا خواهد نمود! این چنین بود که تکه سنگی از هویت تاریخی ایران با عملکرد پرسش برانگیز مسوولان سازمان میراث فرهنگی کشور، اکنون به جای پیوستن به پیکره خود در "پلکان آپادانا" در اختیار یک فرد یا یک گروه ناشناخته قرار داشته و قسمتی از خانه یا کلکسیون آثار تاریخی آن فرد- که احتمال وجود اشیای باستانی دیگری از ایران نیز در آن دور از ذهن نیست- را به خود اختصاص داده است.

سنگ برجسته مشهور به "سر سرسرباز هخامنشی" در تاریخی نامشخص از پلکان شرقی آپادانا جدا شده و توسط سارق یا سارقانی از کشور خارج شد. اگر چه گمانه‌زنی‌های مختلفی در خصوص زمان انتقال این شی باستانی به خارج صورت گرفته، اما ایران تا سال ۲۰۰۵ از محل نگهداری آن کاملاً بی‌اطلاع بود. این اثر تاریخی ابتدا در سال ۱۹۷۴ از سوی حراجی "ساتبی" در شهر

دوم آبان ماه جاری، پرونده یکی از با ارزش‌ترین اشیای تاریخی به "سرقت رفته" ایران زمین، با فروش آن در یک حراجی در لندن برای همیشه بسته شده و به بایگانی قطور ناکامی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این مرز و بوم افزوده شد.

حراجی "کریستی" مکانی بود که در آن برای دومین بار این قطعه سنگ بارزش به دلالان، کلکسیونرها و دوستداران آثار باستانی در سراسر جهان عرضه شده و به بهای ناچیز ۵۸۰ هزار پوند به فروش رسید. نکته قابل تامل اینکه به دلیل حساسیت‌های رسانه‌ای ایجاد شده در خصوص این شی باستانی و ملی - که می‌بایست آن را مرهون پیگیری‌های مجدانه فعالان فرهنگی و ایرانیان علاقه‌مند به هویت تاریخی در ایران و سراسر جهان دانست- هویت خریدار این میراث فرهنگی بارزش ایرانیان فاش نشد. خریدار "سر سرسرباز هخامنشی" که به دلیل نگرانی از تبعات در اختیار داشتن آن از افشای هویت واقعی خود امتناع کرده نیز مدعی شده که این اثر باستانی



کریستی لندن در میان ادعاهای غیر حقوقی نهادهای دولتی ایران، قیمت پایه ۸۰۰ هزار پوند را برای آن تعیین و با شفاف زایدالوصف از رسانه‌های شدن این مساله، به انتظار افزایش قیمت آن و به دست آوردن سودی هنگفت در تاریخ دوم آبان ماه ۱۳۸۶ یا ۲۴ اکتبر ۲۰۰۷ نشستند. طرفه اینکه پس از سیل انتقادات مردم و کارشناسان مستقل به استدلال‌های مسوولان دولت نهم در چرایی عدم شرکت در این حراجی، این سنگ ارزشمند تاریخی با قیمتی بسیار پایین‌تر از قیمت پایه آن آذین بخش مکان نگهداری نامعلوم خود شد.

این حراجی، مؤخره‌ای اندوهناک و پایانی تراژیک برای افزودن بر دو سال تلاش فعالان فرهنگی به شمار می‌رود چه اینکه قسمت پایین تنه‌ی بر جای مانده از این اثر فاخر ملی - به احتمال بسیار - برای همیشه از سر خود جدا مانده و با پرسش هر بازدیدکننده‌ای از پلکان شرقی تخت جمشید - نماد تمدن و تاریخ پر ابهت ایران زمین - روبه‌رو خواهد شد.

خلاء قوانین داخلی، ناآگاهی از قوانین بین‌المللی

پس از رسانه‌های شدن این مساله، متولیان سازمان میراث فرهنگی با بیان این دلیل که سر سرباز هخامنشی را باید در زمره اموال فرهنگی - تاریخی ایران به شمار آورند خواستار استرداد آن به کشورمان شده، در وهله نخست سعی نمودند تا از دریچه‌ی حقوقی و طرح دعوی در دادگاه کشور بریتانیا با این مساله مواجه شوند. در عین حال با توجه به نوع نگاه غالب به مساله اشیاء تاریخی، این موضع‌گیری مسوولان دولتی چندان غیر قابل پیش‌بینی نبود. اما فعالان حقوقی و فرهنگی مستقل بر این باور بودند که ضعف مشهود قوانین داخلی در این حوزه از یک سو و عدم آشنایی با قوانین سایر کشورهای

جهان از سوی دیگر، نتیجه‌گیری از طریق پیگیری‌های حقوقی را در هاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد. حقوق دانان برجسته‌ی کشور لزوم اتخاذ استراتژی‌های دیگری نظیر شرکت در حراجی و خرید این شی تاریخی از سوی متولیان امر را تنها راه حل مطمئن این پرونده دانسته و خواستار در نظر گرفتن فضای حاکم بر سیستم قضایی انگلستان یا فرانسه و عدم مواجهه ناشیانه با آن شدند. اشاره شد که مالک فرانسوی این شی باستانی، آن را در حدود سی سال قبل در یک حراجی در نیویورک خریداری کرده و برابر قوانین کشور فرانسه درک چگونگی عملکرد در قبال طرح شکایت ایران کاملاً روشن بود. با نگاهی اجمالی به قوانین فرانسه می‌توان دریافت که "هرگاه اموالی بیش از ۳۰ سال در مالکیت کسی قرار داشته باشد، مالک این اموال متصرف آن است". بدیهی است که دادگاه انگلستان نیز با استناد به همین قانون در اسفند ماه سال ۸۵، رای خود را به سود مالک فرانسوی آن صادر و وی را به عنوان مالک قانونی و رسمی آن به شمار آورد.

بر اساس نظر حقوق دانان - که برخی از آنان تلاش زیادی را در راستای متقاعد کردن مسوولان در رده‌های مختلف نظام برای خرید آن صورت دادند - قوانین داخلی کشور نیز سهم قابل توجهی را در عدم امکان تعقیب قانونی و فقدان مجازات‌های متناسب با جرایم این چنین به خود اختصاص داده‌اند.

پس از به جریان افتادن این پرونده بود که وکلای برجسته‌ی ایرانی خواستار تصویب قانونی جامع در خصوص آثار فرهنگی تاریخی ایران شدند. چه اینکه قانون عتیقه‌جات مصوب سال ۱۳۰۹ و ماده ۲۶ قانون مدنی به علت به روز نبودن، پاسخگوی نیاز امروز ایران در حوزه مهم و گران‌بهای میراث فرهنگی نیست. در واقع در فقدان دو عنصر قانون جامع و عدم توجه کافی به اهمیت میراث فرهنگی از سوی مسوولان ذی‌ربط،

حداقل مقاومت برای جلوگیری از حراج سر سرباز هخامنشی از میان رفت.

لازم به یادآوری است سازمان میراث فرهنگی و گردشگری دولت اصلاحات با مشاهده این خلاءهای قانونی بود که لایحه‌ای را تنظیم و قصد ارایه به مجلس داشت که با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری نهم و تغییراتی گسترده در مدیران دولتی، این لایحه نیز به فراموشی سپرده شد.

این واقعیت آنگاه تلخ‌تر جلوه می‌کند که با نگاهی گذرا به بخش‌هایی از قانون عتیقه‌جات که در آبان ماه ۱۳۰۹ به تصویب رسیده، به وضوح دلایل بلااثر شدن فعالیت‌های حقوقی ایران در دفاع از اشیای تاریخی خود را دریافت "عتیقه‌جاتی که در صف حفاری قانونی تجاری و علمی در یک مکان و یک موسم حفاری یافت شده به ترتیب ذیل بین دولت و حفار تقسیم خواهد شد. بدو دولت از اشیای مکتشفه می‌تواند تا ده فقره را انتخاب و تملک کند و بعد بقیه را با بسوبه با صاحب اجازه حفار، تقسیم خواهد کرد... [نکته‌ی قابل تأمل اینکه هیچ یک از نمایندگان ادوار مجلس و متولیان دولت‌های پس از انقلاب کمترین تلاش برای اصلاح قانونی که ۷۵ سال از عمر تصویب آن می‌گذرد صورت نداده و تنها در دولت خاتمی لایحه‌ای جامع در سازمان میراث فرهنگی وقت تدوین شد. اما همان طور که در بالا بدان پرداخته شد این لایحه به سرانجام نرسید. به بیان دیگر ماده مورد اشاره و ۵۱ ماده دیگر قانون عتیقه‌جات و یک ماده واحد مرتبط دیگر نه تنها سبب جلوگیری از خروج اشیاء عتیقه از کشور و برخورد موثر با سارقان آن ندارد، بلکه با دست خود چوب حراج بر پیکره میراث فرهنگی ایران زمین زده است. این چنین است که هیچ موزه‌ای در دنیا را نمی‌توان یافت که در آن آثار فاخر تاریخی و بخشی از تمدن کشورمان، چشم بازدیدکنندگان را خیره نکند.



انتقاد به مواضع مسوولان دولتی

پس از صدور رای دادگاه انگلستان در اواخر سال گذشته و اعلام حراج "سر سرباز هخامنشی"، تنها راه باقی مانده گفت‌وگو با متصرف آن یعنی خانم "برند" و پرداخت حق نگهداری مورد درخواست وی بود چرا که مسوولان سازمان میراث فرهنگی دولت نهم به دلیل آنچه "مشروعیت بخشیدن به اقدامات سارقان" عنوان می‌کردند حاضر به پذیرش شرکت در حراجی لندن برای خرید این اثر تاریخی به کشور نبودند. اولین موضع‌گیری‌های سازمان میراث فرهنگی و گردشگری از سوی قائم مقام آن ابراز شد که از آغاز مذاکرات برای پرداختن هزینه‌های نگهداری سر ستون هخامنشی با "مالک" فرانسوی آن خبر داد "تاکنون همه راهکارهای پیش رو، خرید شی تاریخی، شکایت به مراجع قضایی و تقبیح تصاحب اشیای تاریخی و ایجاد سر و صداهای بین‌المللی بوده است که با توجه به، به نتیجه نرسیدن از طریق قانونی، تصمیم گرفته‌ایم با اقداماتی متفاوت در این زمینه حرکت کنیم". اگر چه در این اظهارات توضیحی در خصوص اقدامات متفاوت و "تقبیح" کاری که از نظر قوانین سایر کشورهای جهان مساله خلاف واقعی به شمار نمی‌رود ارایه نشده، اما آنچه اکنون و پس از حراج "سر سرباز هخامنشی" می‌توان مورد سوال قرار داد دلایل عدم مدیریت صحیح این پرونده است که صرف نظر از انتقادات پر دامنه کارشناسان، حقوق دانان و فعالان مستقل فرهنگی کشور، موج گسترده انتقادات نمایندگان مجلس را نیز در پی داشت. ملاقات‌های مسوولان سازمان میراث فرهنگی با متصرف فرانسوی این شی تاریخی اما نتیجه‌ای را در بر نداشت چرا که وی دریافت مبلغ ۸۰۰ هزار پوند - به عنوان قیمت پایه حراجی - را از مسوولان ایرانی درخواست کرد. اما پیشنهاد سازمان، مبلغی بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار پوند بود. با نزدیک شدن به تاریخ اعلام شده به عنوان "روز حراج" اما بسیاری از نمایندگان مجلس نیز خواستار حضور ایران در حراجی و خرید آن شدند چه اینکه معتقد بودند مبلغ ۸۰۰ هزار پوند - که پس از پایان حراجی به ۵۸۰ هزار پوند تقلیل یافت - را در مقایسه با اعتباری که بازگرداندن این اثر به تخت جمشید و تبلیغات برای جذب توریست برای بازدید از آن ایجاد می‌کرد، بسیار ناچیز می‌دانستند. استدلال معاون سازمان میراث فرهنگی اما به گونه‌ای دیگر بود "ما تحت هیچ شرایطی این شی را نخواهیم خرید زیرا با این کار به سرقت اموال تاریخی مان مشروعیت بخشیده‌ایم" وی استدلالی را نیز مطرح می‌کند که در نوع خود جالب توجه بود "خرید این شی تاریخی در حراج

با توجه به اقدامات ایران به راحتی امکان‌پذیر نیست چرا که این شی همراه با ایرادات حقوقی بسیاری برای مالک جدید است. اگر این شی از انگلیس خارج شود و به هر کشوری برود باز هم شامل پیگیری حقوقی ما خواهد بود". این اظهارات اما پاسخ‌های گسترده فعالان حقوقی و نمایندگان کمیسیون فرهنگی مجلس را در پی داشت. نعمت احمدی به سخنان مسوولان دولتی با تکیه بر قوانین داخلی و بین‌المللی پاسخ گفت "دادستان محترم کشور به سرعت نسبت به نامه‌ی اینجانب و خبر پخش شده در سیما واکنش نشان داده و از سازمان میراث فرهنگی درخواست کرده‌اند که گردش کار موضوع سر سرباز هخامنشی را به ایشان بنویسند. اگر سازمان پاسخ نداده است باید پرسید چرا حداقل به وظیفه‌ی خود در قبال مدعی‌العموم کل عمل نکرده است؟... قائم مقام سازمان خانم برند را مالک این شی معرفی کرده است! می‌دانید بین مالک که دولت ایران است و متصرف که فعلا خانم برند است تفاوت است. وقتی قائم مقام سازمان متصرف را مالک می‌شناسد از دادگاه انگلیس چه توقعی دارید؟... ایشان معتقد است که موزه‌ها به علت اختلاف در مالکیت، رغبتی به خرید سر سرباز هخامنشی نخواهند داشت، بلکه برعکس موضوع مالکیت سر سرباز هخامنشی به رغم تعلق به ایران به استناد تصرف ۳۰ ساله خانم برند با حکم دادگاه انگلیس آن هم به استناد قوانین فرانسه به وی تعلق گرفته و تصرفات ایشان را، دلیل مالکیت دانسته‌اند، هیچ خدشه‌ای به خرید این شی مهم تاریخی ما توسط موزه‌ها یا کلکسیونرها وارد نمی‌آید و چه بسا کلکسیونرهای طماع در حراج شرکت کنند و از طریق دعای بعدی که احتمالاً ایران مطرح خواهد کرد هم نام و آوازهای پیدا کنند و هم ارزش مالی این شی را بالاتر ببرند و طبیعی است که اگر دادگاهی حکم ولو به استرداد سر سرباز هخامنشی بعد از حراج به ایران داد، مساله پرداخت وجهی که در حراج قانونی و هزینه نگهداری بعدی آن به خریدار تحمیل خواهد شد، باید پرداخت شود".

یکی دیگر از راهکارهایی که از سوی فعالان فرهنگی در رسانه‌ها به دولت نهم پیشنهاد شده استفاده از پتانسیل مالی هموطنان داخل و خارج کشور و اعلام یک شماره حساب برای جمع‌آوری مبلغ درخواستی از سوی خانم برند و خرید سر سرباز هخامنشی بود. طراحان این ایده معتقد بودند که به دلیل وجود ایرانیان ثروتمند در سراسر جهان، پس صدور اجازه اعلام رسمی این طرح از سوی مقامات دولتی بخش ناچیز از ثروت یکی از هموطنان چه در داخل و خارج کافی است تا بلافاصله این مساله حل شده و نیازی به حضور در حراجی

نباشد. ضمن اینکه دولت نیز از موضع خود در خصوص تحریم حراجی عقب‌نشینی نکرده است.

سعید ابوطالب نماینده تهران و عضو فراکسیون اصولگرایان مستقل - که از منتقدان اصولگرایی دولت نهم تشکیل شده - ضمن استقبال از این طرح نظرانی نیز در خصوص عملکرد سازمان میراث فرهنگی در این زمینه طرح می‌کند "اگر عده‌ای از ایرانیان میهن دوست بتوانند با همکاری هم، شی پنج هزار ساله ایرانی را دوباره به کشور بازگردانند، جای مباحثات خواهد داشت چون حاکمیت نشان داد از طریق دیپلماسی و حقوقی قادر نبود از پس پرونده برآید... چندین بار است که در دادگاه‌های این چنینی شکست می‌خوریم. سه شکست تلخ در دادگاه حراج سر سرباز هخامنشی، اشیای جیرفت و الواح شیکاگو، بیانگر آن است که مسوولان سازمان میراث فرهنگی نتوانسته‌اند از ظرفیت‌های قانونی مانند پروتکل‌های جهانی در روش‌های حقوق بین‌المللی به نحو مطلوب استفاده کنند. به همین دلیل اشیای تاریخی ایران آن هم به شکل به اصطلاح قانونی به راحتی حراج می‌شوند چون مسوولان ما قادر به مدیریت مسایل نیستند". در حالی که براساس برخی شواهد حدود ۴۰۰ تا ۱/۵ میلیون پوند از سوی ایران برای دادگاه‌های اول و استیناف هزینه شده، با بی‌توجهی به راهکار استفاده از دارایی‌های مردمی از سوی مسوولان، سر سرباز هخامنشی با ۵۸۰ هزار پوند به فروش رسید.

لژوم تحرک برای بستن راه تکرار

کم‌توجهی به حفظ نگهداری از آثار تاریخی به عنوان حوزه ارزشمند تمدنی و تاریخی از یک سو و عدم مدیریت صحیح توریسم و جایگاه بی‌بديل آن در عرض‌های تمدن ناب ایرانی به جهان به همراه ضعف قوانین مورد نیاز در کشور، به قطعه‌هایی از پازل "درهم ریخته" میراث فرهنگی در ایران هستند. در این میان اگر چه انتصاب مدیران غیر تخصصی برای سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها در طول ۲/۵ سال گذشته امر تازه‌ای به شمار نمی‌رود، اما تلاوم آن و گسترده شدن به سازمان‌های تابعه دولتی - خصوصاً در حوزه میراث فرهنگی - پرسش‌های زیادی را به وجود آورده است. ماجرای الواح گلی شیکاگو، برج جهان نمای شهر اصفهان و اموال جیرفت که در "حراجی برکت" با صدور دستور موقت ۱۴۰ هزار پوندی در نوبت رسیدگی است، نگرانی‌ها در این خصوص را تشدید می‌کند. به باور کارشناسان در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری نیز نمی‌توان کارنامه قابل توجهی برای مسوولان دولت نهم در نظر گرفت.